

دانشنامه فلسفه استنفورد

(۹۵)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

---

سرشناسه: راث، آبراهام سشو، ۱۹۶۴ - م.  
عنوان و نام پدیدآور: عاملیت مشترک/ایبراهام سشو رات؛ ترجمهٔ مریم خدادادی.  
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۶۹ ص.  
فروست: دانشنامهٔ فلسفی استنفورد؛ ۹۵/دبیر مجموعه مسعود علیا.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۷۷-۶  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
یادداشت: عنوان اصلی: Shared agency  
یادداشت: واژه‌نامه.  
یادداشت: کتابنامه.  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: عامل (فلسفه)  
موضوع: Agent (Philosophy)  
موضوع: فعل (فلسفه)  
موضوع: Act (Philosophy)  
موضوع: روابط اجتماعی  
موضوع: Social interaction  
شناسهٔ افزوده: خدادادی، مریم، ۱۳۶۳ -، مترجم  
شناسهٔ افزوده: علیا، مسعود، ۱۳۵۴ -  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶/ع۲۲/۶۱۰۵  
رده‌بندی دیویی: ۱۲۸/۴  
شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۷۶۶۰۲

---

دانشنامهٔ فلسفهٔ استنفورد (۹۵)

# عاملیت مشترک

ایبراهام سثو رات

ترجمهٔ مریم خدادادی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Shared Agency**

*The Stanford Encyclopedia of Philosophy*

Abraham Sesshu Roth, Dec 13, 2010

این مجموعه با کسب اجازه از گردانندگان دانشنامه  
فلسفه استنفورد (SEP) منتشر می‌شود.



**انتشارات ققنوس**

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

\* \* \*

دانشنامه فلسفه استنفورد (۹۵)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

عاملیت مشترک

ایبراهام سشورات

ترجمه مریم خدادادی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۶

چاپ پژمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۶ - ۳۷۷ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 377 - 6

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

۵۰۰۰ تومان

## فهرست

- پیشگفتار دبیر مجموعه ..... ۷
- درآمد ..... ۱۱
۱. مسئله وجودشناختی سنتی و نظریه قصد .. ۱۳
۲. به هم پیوستگی قصدهای مشارکتی ..... ۱۹
۳. ساختار قصدهای به هم پیوسته چگونه  
برقرار می شود؟ ..... ۲۷
۴. وظایف متقابل ..... ۳۳
۵. محذور استدلالی و اذهان گروهی ..... ۳۹
- یادداشت ها ..... ۴۵
- سیاسگزاری ..... ۵۵
- کتابنامه ..... ۵۷
- واژه نامه انگلیسی به فارسی ..... ۶۳
- نمایه ..... ۶۷



## پیشگفتار دبیر مجموعه

بسیاری از کسانی که در ایران به نحوی از انحا کار فلسفی می‌کنند و با فضای مجازی اینترنت نیز بیگانه نیستند نام دانشنامه فلسفه استنفورد<sup>۱</sup> را شنیده‌اند و چه بسا از این مجموعه کم‌نظیر بهره نیز برده باشند. این دانشنامه حاصل طرح نیکویی است که اجرای آن در سال ۱۹۹۵ در دانشگاه استنفورد آغاز شد و همچنان ادامه دارد. به لطف کمک‌هایی که گردانندگان این مجموعه از آن‌ها برخوردار شده‌اند، متن کامل تمامی مقالات این دانشنامه در اینترنت به رایگان و به آسان‌ترین شکل در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته است.

نگاهی به ساختار و مندرجات مقاله‌ها و مرور کارنامه نویسندگان آن‌ها، که عموماً در حیطه کار خویش صاحب نام و تألیفات درخور اعتنا هستند، گواهی می‌دهد که با مجموعه‌ای خواندنی مواجهیم، مجموعه‌ای که غالباً مدخل‌های مناسبی برای ورود به گستره‌های متنوع تأمل فلسفی به دست می‌دهد. به این اعتبار، می‌توان به جرئت گفت کسی که می‌خواهد اولین بار با مسئله یا مبحثی در فلسفه آشنا شود، یکی از گزینه‌های راهگشایی که پیش رو دارد این است که ابتدا به سراغ مدخل یا مدخل‌های مربوط به آن در این دانشنامه برود.

دانشنامه فلسفه استنفورد (به سرپرستی دکتر ادوارد ن. زالتسا<sup>۲</sup>)

---

1. *Stanford Encyclopedia of Philosophy* (SEP)

2. Edward N. Zalta

افزون بر این که پیوندی فراگیر میان فضای دانشگاهی و عرصه عمومی برقرار کرده، ویژگی‌های درخور توجه دیگری هم دارد. حجم بسیاری از مقاله‌های این دانشنامه چشمگیر است. ظاهراً دست نویسندگان در شرح و بسط کثیری از موضوعات و مباحث باز بوده است. دیگر این که در کنار مدخل‌های نام آشنا گاه به موضوعات و مسائل کم و بیش بدیعی پرداخته شده است که شاید در نظر اول ورودشان به دانشنامه‌ای فلسفی غریب بنماید و در عین حال خواننده را به بازاندیشی دربارهٔ دامنهٔ تفکر فلسفی و نسبت آن با زیست‌جهان خویش فراخواند. کتابنامه‌های مندرج در پایان مقاله‌ها نیز، که معمولاً به دقت تدوین شده‌اند، یکی از محسنات این دانشنامه است که به‌ویژه به کار دانشجویان و محققانی می‌آید که می‌خواهند در زمینه‌ای خاص پژوهش کنند. این را هم نباید از نظر دور داشت که خاستگاه این دانشنامه به هیچ روی موجب نشده است که متفکران و مباحث فلسفهٔ قاره‌ای نادیده گرفته شوند.

انتشار تدریجی این دانشنامه به زبان فارسی و فراهم کردن امکان مواجههٔ شمار هرچه بیشتری از خوانندگان علاقه‌مند با آن، چه بسا استمرار همان غایتی باشد که مورد نظر بانیان این طرح بوده است. بر این اساس، در گام نخست انتخابی اولیه از میان مدخل‌های پرشماری که در دانشنامه آمده است صورت گرفته و کار ترجمهٔ آن‌ها به سعی مترجمانی که با این طرح همکاری دارند به تدریج پیش می‌رود. ترجمهٔ کل دانشنامه البته غایتی بلندپروازانه است، به‌ویژه با توجه به این که هنوز همهٔ مقاله‌های آن به نگارش درنیامده‌اند. با این حال، تلاش بر این است که، در صورت فراهم بودن شرایط، انتشار این مجموعه استمرار پیدا کند و به سرنوشت مجموعه‌هایی دچار نیاید که آغازی چشمگیر داشته‌اند ولی دولتشان چندان پاینده نبوده است.

روال غالب این است که هر کدام از مدخل‌ها در یک مجلد منتشر شود، اما در مواردی که حجم یک مدخل از حداقل لازم برای این که به



هیئت مجلدی مستقل منتشر شود کمتر باشد، آن مدخل همراه با مدخل دیگری که با آن قرابت موضوعی دارد انتشار می‌یابد. به توصیهٔ دکتر زالتا، نسخهٔ اساس ترجمه‌ها آخرین ویراستی خواهد بود که در بخش آرشیو دانشنامه درج شده است، و همین امر در چاپ‌های مجدد ترجمه‌ها مبنای قرار خواهد گرفت. در مرحلهٔ ویرایش، تمامی ترجمه‌ها سطر به سطر با متن انگلیسی مقابله خواهند شد تا عیار کار درخور این مجموعه باشد. در این میان تلاش می‌شود توازن شایسته‌ای میان احترام به سبک و زبان هر مترجم از یک سو و اقتضائات مجموعه از سوی دیگر به دست آید. طرح انتشار این مجموعه شاید فردی بوده باشد، اما اجرا و اتمام آن البته کاری جمعی است و با تلاش مشترک و همراهی دوستانی میسر می‌شود که به این کار دل می‌سپارند. افزون بر مترجمانی که در این طرح همکاری می‌کنند، سپاسگزار دیگرانی هستم که مساعدتشان پشتوانهٔ اجرای شایستهٔ آن است. به‌ویژه از آقای دکتر زالتا و سایر گرداندگان دانشنامه قدردانی می‌کنم که اجازه دادند مجموعه حاضر به زبان فارسی منتشر شود. همچنین، باید یاد کنم از آقای امیر حسین زادگان، مدیر انتشارات ققنوس، که زمینهٔ اجرای طرح را فراهم کردند؛ آقای دکتر سید نصرالله موسویان، که یاری بی‌دریغشان برای این مجموعه بسیار مغتنم بوده است؛ آقای احمد تهوری، که در تسهیل ارتباطات نقش مؤثری داشته‌اند؛ و آقای جهانگیر ملک‌محمدی و یکایک همکاران ایشان در بخش فنی انتشارات، که می‌کوشند این مجموعه با شکل و شمایلی درخور منتشر شود.

مسعود علیا

زمستان ۱۳۹۲



## [ درآمد ]

گاهی افراد به همراه یکدیگر به عملی مبادرت می‌ورزند و گاهی هر یک مستقلاً عمل می‌کنند. این تمایزی است که غالباً برای ما مهم است. بر دوش کشیدن وظیفه‌ای دشوار به طور جمعی می‌تواند مایهٔ آسودگی باشد ولو صرفاً به لحاظ همبستگی‌ای که ممکن است پدید آورد. یا این مورد بسیار متفاوت را در نظر بگیرید: درک (یا توهم) این‌که موارد بسیاری از بی‌ادبی که شخص اخیراً آماج آن‌ها قرار گرفته است بخشی از تلاشی هماهنگ هستند می‌تواند در تشخیص آنچه شخص با آن مواجه است واجد اهمیت باشد: انباشت ظلم‌ها (بی‌بی‌تردید به‌خوبی فهرست شده باشند) نه به صورت مقارنه‌ای ناگوار از بی‌حرمتی‌هایی که از جهات مختلفی سر برآورده‌اند بلکه به صورت ماحصلِ اعمالِ یکپارچهٔ عاملیت قلمداد می‌شود. معمولاً قرار نیست نظریه‌پرداز پارانویایی توطئه‌ج‌دی گرفته شود. اما او به‌درستی درمی‌یابد که قطعاً وحشتناک می‌شد اگر، از باب مثال، همهٔ افراد می‌خواستند او را بیازارند و این کار را به همراه یکدیگر انجام می‌دادند. هرچه باشد، انتظار می‌رود که ثبات و تأثیر عاملیتی که مشترک است

جدی‌تر از تأثیرات مجموعه‌ای صرف از اعمال فردی باشد.<sup>(۱)</sup> این تمایز همچنین لوازم هنجاری مهمی دارد. شأن نهادها یا قوانین برقرار شده به دست همگان در جامعه‌ای که اعضایش با یکدیگر عملی را انجام می‌دهند می‌تواند بسیار متفاوت با شأن نهادها و قوانینی باشد که از سوی یک فرد بر آن‌ها تحمیل می‌شود. ماهیت و معیارهای تجویز یا توجیه رفتار، بر حسب تلقی موسعی که در بردارنده شکل‌گیری باور است، ممکن است مبتنی بر این امر باشد که آیا رفتار مورد نظر در سیاق فعالیت مشترک رخ می‌دهد یا نه.

از این رو، جای شگفتی نیست که فعالیت و قصد مشترک برای رشته‌های گوناگونی از جمله سیاست، علوم اجتماعی، اقتصاد، اخلاق، حقوق، معرفت‌شناسی (خصوصاً معرفت‌شناسی گواهی و معرفت‌شناسی اجتماعی) و روان‌شناسی مهم و جذاب است.

اما عمل کردن به همراه یکدیگر چیست؟ از این پرسش در فلسفه معاصر عمل، پیوسته بحث شده است. از جمله دغدغه‌های اصلی عبارت‌اند از تشخیص خصوصیات متفاوت پدیده و/یا بیان مفاهیم مرتبط، جستجوی لوازم نتایج تجربی مرتبط، و بررسی امکان و حیطة تحویل:<sup>۱</sup> آیا عاملیت مشترک را می‌توان در چارچوب منابعی که از مطالعه عاملیت فردی در دسترس داریم فهمید؟ این مدخل بر برخی از موضوعاتی تمرکز خواهد کرد که نزدیک‌ترین پیوند را با فلسفه عمل دارند. برای بحث مبسوط‌تر بنگرید به مدخلِ راجع به قصدیت جمعی.<sup>۲</sup>

---

1. reduction      2. collective intentionality

## مسئله وجودشناختی سنتی و نظریه قصد

عاملیت گاهی به صورت جمعی تحقق می‌یابد مانند وقتی که به همراه یکدیگر قدم می‌زنیم، چندین نفر وظیفه رنگ کردن خانه‌ای را بر عهده می‌گیرند، یا یک تیم فوتبال پاسکاری می‌کند.<sup>(۲)</sup> این امر مناقشه‌برانگیز نیست که واقعاً پدیده‌ای وجود دارد که تحت عناوینی مانند فعالیت مشترک، و عمل اشتراکی یا جمعی قرار می‌گیرد. آنچه مورد اختلاف است چگونگی فهم این پدیده است. یک راه برای پرداختن به این موضوعات در این جا آن است که بپرسیم چه چیزی اعمال افرادی را که به همراه یکدیگر فعالیت مشترکی را شکل می‌دهند از اعمالی که در حکم انباشت محضی از اعمال فردی‌اند متمایز می‌کند. با کسر آنچه هر یک از ما انجام داده‌ایم از آنچه به همراه یکدیگر انجام داده‌ایم چه چیزی باقی می‌ماند؟<sup>(۳)</sup>

موردی را در نظر بگیرید که سرل (Searle 1990, 402) از آن بحث کرده است. تعدادی از افراد در اطراف پارکی پراکنده شده‌اند. باران ناگهان شروع به باریدن می‌کند و هر یک از آن‌ها به سوی سرپناهی که در مرکز پارک قرار دارد می‌دود. هرچند

ممکن است هماهنگی‌ای وجود داشته باشد (افراد تمایل به برخورد با یکدیگر ندارند)، اما دویدن به سوی سرپناه، به معنایی مربوط، چیزی نیست که آن‌ها به همراه یکدیگر انجام دهند. حال وضعیت دیگری را تصور کنید که در آن همین افراد همین حرکات را انجام می‌دهند اما به عنوان اعضای گروه رقصی که اثری مختص به مکانی خاص را در آن پارک اجرا می‌کنند. در هر دو مورد، هیچ تفاوتی در جمع یا «تجمیع» رفتار فردی وجود ندارد: الف به سمت سرپناه می‌دود و ب به سمت سرپناه می‌دود، و غیره. اما رقصندگان سرگرم عملی جمعی‌اند، در حالی که تفرج‌کنندگان چنین نیستند.

نظر سرل این است که آنچه این دو مورد را از هم متمایز می‌کند نه رفتار بیرونی بلکه چیزی است «درونی». او اشاره می‌کند که در مورد جمعی، رفتار بیرونی – دویدن همه به سوی سرپناه و به هم پیوستن آن‌ها در آن‌جا – از سنخ تصادف یا تلاقی نیست،<sup>(۴)</sup> بلکه به منزله چیزی تبیین می‌شود که شرکت‌کنندگان آن را هدف قرار داده‌اند. این امر نشان می‌دهد که تفاوت درونی از سنخ قصد است، و در واقع، سرل آن را این‌گونه درمی‌یابد. در هر دو مورد، هر شرکت‌کننده‌ای قصدی دارد که [جمله] «من به سوی سرپناه می‌دوم» بیانگر آن است. اما در مورد جمعی، این قصد به نحوی برآمده از، و مبتنی بر، قصدی است که ضرورتاً به دیگران اشاره دارد، قصدی که می‌توان آن را به صورت «ما به سوی سرپناه می‌دویم» بیان کرد (یا شاید «ما در حال اجرای بخشی از اثر هستیم که در آن...»).

همین «قصد مع‌الغیر» است که فعالیت مشترک یا جمعی را از صرف تجمیع یا انباشت اعمال فردی متمایز می‌کند.<sup>(۵)</sup>

اما قصد مع‌الغیر دقیقاً چیست؟ یک رهیافت این است که آن را گرایش موجودی خاص و فرافردی تصور کنیم.<sup>(۶)</sup> بر اساس این دیدگاه، قصد بیان‌شده با جمله «ما به سوی سرپناه می‌دویم»، گرایشی است که هر موجودی که مدلول «ما» است واجد آن است. هرگاه افراد به همراه یکدیگر عمل می‌کنند، گروهی را تشکیل می‌دهند که، به معنایی غیرمجازی، [آن عمل را] قصد می‌کند. این امر مستلزم آن است که گروه‌ها بتوانند عامل‌ها و فاعل‌های حقیقی گرایش‌های قصدی باشند. سرل دقیقاً همین نوع دیدگاه را کنار می‌گذارد.<sup>(۷)</sup> اما این پرسش لزوماً جزم‌اندیشانه نیست که آیا چنین کثرتی از فاعل‌های قصدی فرافردی، اذهان گروهی یا اشخاص اتحادیافته، هنگام به دست دادن شرحی از فعالیت مشترک، امری ناگزیر است. از این گذشته، دلیلی وجود دارد که تصور کنیم اگر پدیده اجتماعی مورد بحث فعالیتی مشترک باشد، راهبردی که به موجودات فرافردی در مقام فاعل‌های حالات قصدی متوسل می‌شود نابجا خواهد بود. به هیچ وجه روشن نیست که فردی که جزئی از موجودی فرافردی است ضرورتاً به آن چیزی متعهد باشد که آن موجود قرار است انجام دهد.<sup>(۸)</sup> در حالی که به معنایی، من، در مقام مشارکت‌کننده‌ای در فعالیت مشترک، به آنچه ما در حال انجام دادن آن هستیم متعهدم.

همچنین، این امر نشان می‌دهد که عنصری از خصوصیات